

عملکرد دولت‌ها و اجرای حقوق بشر؛ مطالعه موردی دولت یازدهم جمهوری اسلامی ایران

دکتر احمد محقر*

دکتر رئوف رحیمی**

چکیده

اصل وجود حقوق جهانی بشر، به عنوان اصلی مسلم، هم اکنون مورد پذیرش همه جوامع بوده و قواعد زیادی در مورد آن در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی وضع شده است. اما اولاً، نحوه تفسیر این حقوق از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت بوده و دیدگاه‌های متفاوتی در این ارتباط وجود دارد. ثانیاً نحوه اجرا نمودن این قوانین بیشتر از موجودیت خود آن‌ها اهمیت دارد. این رویکرد به نوعی مورد پذیرش قانون اساسی ایران نیز قرار گرفته است. با این وجود اجرای آن در برخی از زمینه‌ها با موانعی مواجه است. هدف کلی این مقاله این است که نشان دهد میزان اجرای حقوق بشر و یا نقض آن را باید در اقدامات و عملکردهای روزانه هر دولت و بخش خصوصی آن جستجو کرد. از این رو مقاله حاضر به صورت موردی، عملکرد دولت یازدهم ج.ا.ایران را در برخی عرصه‌ها برای مشخص شدن میزان اجرای حقوق بشر ارزیابی کرده است.

کلید واژگان: حقوق بشر، دولت یازدهم، مکانیسم‌های اجرایی، اعتدال، عملکرد.

*. استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌المللی دانشگاه فردوسی مشهد، ایران

a-mohaghar@um.ac.ir

** استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه بجنورد، خراسان شمالی، ایران

rahimirauf.phd@gmail.com

فصلنامه مطالعات بین‌المللی (ISJ) سال چهاردهم، شماره ۳، زمستان ۱۳۹۶، صص ۶۹ - ۴۹

عملکرد دولت‌ها و اجرای حقوق بشر؛ مطالعه موردی دولت یازدهم ج.ا.ایران

دکتر احمد محقر*

دکتر رؤف رحیمی**

۱. دیباچه

جهان شمول گرایان بر این باورند که ارزش‌های حقوق بشر مانند حق زندگی، ازدواج، کار، بیمه، نبود شکنجه و بردگی و مانند اینها جهانی و همه گیرند (ذاکریان، ۱۳۹۲: ۵۱). در این میان جهان شمول گرایان به سه دسته تقسیم می‌شوند: ۱- جهان شمول گرایان دو فاکتو معتقدند: حقوق بشر به عنوان یک ارزش جهانی پذیرفته شده است. ۲- جهان شمول گرایان واقع‌گرا معتقدند: حقوق بشر یک دارایی طبیعی جهانی است که همه انسان‌ها طبیعتاً آن را

*. استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌المللی دانشگاه فردوسی مشهد، ایران

a-mohaghar@um.ac.ir

** استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه بجنورد، خراسان شمالی، ایران

rahimirauf.phd@gmail.com

فصلنامه مطالعات بین‌المللی (ISJ) سال چهاردهم، شماره ۳، زمستان ۱۳۹۶، صص ۶۹-۴۹

دارا هستند ولو اینکه عده‌ای آن را به عنوان یک واقعیت نپذیرند. و ۳- جهان شمول گرایان دوازده معتقدند: هر چند ارزش‌های حقوق بشر به عنوان یک حقیقت مطرح نمی‌باشند و آن‌ها مورد پذیرش جهانی نبوده‌اند؛ اما بایستی مورد پذیرش جهانی قرار گیرند. به باور آن‌ها ارزش‌ها از فرهنگی به فرهنگی دیگر و از زمانی به زمان دیگر، متفاوت هستند. با این وجود، آن‌ها بر این باورند که ارزش‌های مهمی وجود دارند که درست یا برتر هستند و مابایستی آن‌ها را بپذیریم. این هر سه دسته مخالف نسبی‌گرایی هستند. اما جهان‌شمولی حقوق بشر از سوی نسبی‌گرایان و با مولفه‌های اعتقادات مذهبی و قومی و مانند اینها به چالش کشیده شده است (ذاکریان، ۱۳۹۵: ۹۲). نسبی‌گرایان تعریف دیگری از حقوق بشر و فراگیری آن دارند. نسبی‌گرایان از دید اخلاقی و ارزشی بر این باورند که مردم با فرهنگ‌های گوناگون ارزش‌های متفاوتی دارند. به باور آن‌ها حقوق بشر ارزشمند است و از آنجا که ارزش‌ها خاص هر فرهنگ هستند، پس حقوق بشر نیز خاص هر فرهنگ است و حقوق بشر جهانی وجود ندارد. با این همه، اینکه آیا حقوق بشر جهان‌شمول است یا ریشه در فرهنگ و تمدن غرب دارد و عاری از ارزش‌های ملل دیگر است، یا اینکه تمام ملل به نوعی تاریخی و فرهنگی با اصول مطروحه حقوق بشری تفاهم و اشتراک دارند، مباحث و گفتمان‌های زیادی ایجاد کرده است. این گفتمان‌ها پایان‌یافتنی نیست ولی روندها و ادله‌های گوناگون نشان از تقویت جهان‌شمولی حقوق بشر دارند. از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ تا تصویب فراگیر پیمان‌ها و کنوانسیون‌های متعدد حقوق بشری نشان دهنده فرآیند جهان‌شمولی حقوق بشر است (ذاکریان، ۱۳۹۲: ۵۶-۵۲). رویکرد کلی به حقوق بشر و توسعه در شناسایی قوانین حقوق بشر معاصر انعکاس یافته است که تعهدات دولت شامل وظیفه احترام، حمایت و اجراست. در حالی که تعهد احترام شامل تعهدات منفی نقض نکردن حقوق است، تعهد اجرای حقوق بشر در لیست تعهدات مثبت اجرایی دولت‌ها قرار می‌گیرد. وظیفه حمایت به عنوان وظیفه جلوگیری از نقض حقوق بشر توسط طرف سوم تفسیر شده است. تعهد بعدی در لیست وظیفه کوشش مسئولانه دولت برای جلوگیری از نقض حقوق بشر توسط بازیگران خصوصی قرار دارد (Henry, 2009: 4-6). بنابراین بخش خصوصی و شرکتی را به درون حوزه حقوق بشر و

توسعه‌کشانده‌اند. این بعد اخیر به طور خاص در فضای تغییر شکل اقتصادی و رشد فعالیت‌های بخش خصوصی و شرکتی در توسعه، کار مهم محسوب می‌شود.^۱ با توجه به واقعیت‌های مذکور سؤال اصلی مقاله این است که عملکرد دولت‌ها از جمله دولت یازدهم ج.ا.ایران چه ارتباطی با اجرای حقوق بشر دارد؟ در پاسخ سؤال اصلی این فرضیه مطرح می‌شود که عملکردهای روزانه دولت‌ها، از جمله دولت یازدهم ج.ا.ایران موجب اجرای حقوق بشر یا نقض آن می‌شود. بنابراین واضح است که عملکرد مثبت، موجب اجرای حقوق بشر و عملکرد منفی روزانه موجب نقض حقوق بشر می‌شود. از این رو با مشاهده ارزیابی عملکرد دولت‌ها می‌توان میزان اجرای حقوق بشر را در هر کشوری مورد ارزیابی قرار داد. به منظور پاسخگویی به فرضیه مذکور، مقاله در دو بخش به بررسی موضوع می‌پردازد، در بخش اول، اعتدال‌گرایی به عنوان چارچوب مفهومی مقاله و چالش‌ها و مکانیزم‌های اجرای حقوق بشر در سطح ملی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در بخش دوم نیز به بررسی و ارزیابی برخی از عملکردهای دولت یازدهم ج.ا.ایران به روش توصیفی - تحلیلی پرداخته می‌شود و در نهایت نتیجه‌گیری در پی می‌آید.

۱-۱- اعتدال‌گرایی به عنوان چارچوب مفهومی

با توجه به اینکه مقاله حاضر اجرای حقوق بشر را در عملکرد روزانه دولت‌ها در عرصه‌های مختلف جستجو می‌کند تا فهم دقیقی از میزان اجرای حقوق بشر توسط دولت‌ها حاصل شود؛ در این مقاله اعتدال‌گرایی به عنوان چارچوب مفهومی مد نظر قرار گرفته است. از این رو دیدگاه برخی کارشناسان داخلی در همایش ملی اعتدال مطرح می‌شود.^۲ ربیعی، وزیر تعاون کار و رفاه اجتماعی در تبیین مفهوم اعتدال دولت یازدهم در همایش تبیین مفهوم اعتدال در مرکز همایش‌های مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، بیان می‌دارد: اعتدال در عرصه سیاستگذاری تلاش برای کنار هم آوردن توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی و عدالت دولت‌های گذشته در دوره ج.ا.ایران

1 J. Symonides ed. Human Rights Concepts and Standards UNESCO 2000,

۲. همایش تبیین مفهوم اعتدال در مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام ۵ و ۶ شهریورماه ۱۳۹۲

می‌باشد. وی اعتدال را مرحله‌ای بالغ تر شده بر مطالبه محور شدن مردم می‌داند. همچنین اعتدال را کم حرکت کردن به سوی اهداف بزرگ تعریف می‌کند. وی معتقد است، در صورتی که فایده مندی اعتدال بروز کند، مردم و نیروهای سیاسی انگیزه لازم برای حمایت از این روش را خواهند داشت. از نظر نه‌اوندیان رئیس دفتر رئیس جمهور، ریشه اول اعتدال علم است. بر همین اساس هیچ وزیری نباید به خود جرأت دهد که برای تصمیمی که می‌گیرد توجیه علمی نداشته باشد. دومین ریشه اعتدال از نظر وی، اخلاق است. از این رو وی اخلاق صحیح را مبتنی بر اعتدال می‌داند. ریشه سوم را عقلانیت می‌داند. سیاست اقتصادی براساس مفهوم اعتدال نیز توسط وی تبیین می‌شود. وی معتقد است، اقتصاد اعتدالی بر اساس سه مفهوم تعامل، تعادل و عدالت می‌چرخد و رویکرد اعتدال در اقتصاد، منافع فردی و مصالح جمعی را تحقق می‌بخشد و آن را نهادینه می‌کند. اعتدال به نظر وی شور مبتنی بر شعور است و به معنای متانت در تصمیم می‌باشد. از این رو مسیر اعتدال را مسیری می‌داند که جامعه ما باید در این مسیر حرکت کند. غلام رضا کاشی در همایش مذکور بیان می‌دارد، اعتدال روش است و نه گفتمان. کار دولت این است که فضا برای ظهور گفتمان‌ها فراهم کند؛ زیرا گفتمان سازی کار روشنفکران است نه دولتمردان. از نظر ایشان اعتدال می‌تواند فضایی را فراهم کند که تعارضات گفتمانی موجود در جامعه به جای نفی خشونت طلبانه یکدیگر، امکان تعامل مدنی با یکدیگر بیابند و تنها در این صورت است که تداوم خواهد یافت. داود فیروزی عضو هیأت علمی دانشگاه تهران نیز در همایش ملی تبیین مفهوم اعتدال، معتقد است: عمل باید مبتنی بر معیار باشد. در جایی که معیار شریعت وجود دارد باید در جامعه اسلامی بر اساس آن عمل کرد و در جایی که معیار شریعت نیست برای برآورده شدن حقوق و آزادی‌های افراد جامعه بایستی بر اساس قانون عمل شود. محسن الویری عضو هیأت علمی دانشگاه باقرالعلوم نیز در همایش مذکور بیان داشته است: اعتدال به مفهوم قرار داشتن و قرار گرفتن در وضع بهینه و مطلوب و برخورداری از تناسب می‌داند. وی معتقد است اعتدال فقط در رفتارها معنی می‌یابد. بنابراین در باورها و ارزش‌ها نمی‌توان و نباید از اعتدال سخن گفت. محمد حسین ملاپری عضو هیأت علمی مرکز تحقیقات استراتژیک نیز در همایش مذکور بیان داشته است: ریشه

اعتدال نخستین بار در طب یونان مطرح شد که بر اساس آن اجزا جسمانی باید در تعادل باشند و نظر ارسطو تحت تاثیر آن تفکر طبی است. ابوالفضل دلاوری عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی نیز بیان می‌دارد: در حوزه اقتصاد، رویکرد دولت محور و مداخله‌گرایی شدید در مقابل رویکرد بازارگرایی ناب، در حوزه سیاست خارجی رویکردهای ستیزه‌جویی و مبارزه طلبی در مقابل رویکرد ادغام در نظم موجود جهانی، در حوزه فرهنگ رویکرد کنترل شدید و قیومیت‌گرایی در مقابل رویکرد آزادی‌سازی کامل؛ در حوزه سیاست داخلی، رویکرد سیاست‌زدایی و امنیتی کردن امور سیاسی در مقابل رویکرد سیاست‌زدگی و آنارشیزم و... قرار دارند. شناسایی دقیق این قطب بندی‌ها و یافتن نقاط میانه در آن‌ها می‌تواند به شناسایی و تبیین مولفه‌ها و مشخصه‌های رویکرد اعتدالی در هر یک از این حوزه‌ها یاری رساند. الهه کولایی استاد دانشگاه تهران نیز، اعتدال‌گرایی را در سیاست خارجی ج.ا.ایران نوید بخش پایان دوره تحمیل آرزوها بر واقعیت‌ها دانسته است. سید جلال دهقانی فیروزآبادی، استاد دانشگاه علامه طباطبایی نیز، به تبیین مفهوم اعتدال‌گرایی در سیاست خارجی پرداخته است. وی معتقد است: گفتمان اعتدال‌گرایی دولت‌یازدهم در قالب گفتمان کلان‌اسلام‌گرایی تعریف می‌شود. در تعریف سلبی اعتدال به معنای پرهیز از افراط و تفریط می‌داند و در تعریف ایجابی و مثبت اعتدال بر اساس مختصات، شاخص‌ها، دال‌متعالی و عناصر مقوم آن تعریف می‌گردد که دال‌متعالی آن توازن و تعادل است. کاظم سجادی‌پور عضو هیأت علمی دانشکده روابط بین‌الملل وزارت خارجه نیز بیان داشته است: سیاست خارجی مانند انسان روح و جسم دارد که جسم آن ساختارها و جغرافیای آن تشکیل می‌دهد و روح آن را متشکل از مجموعه‌های انسانی و زمانی است. ایران هر وقت نتوانسته است تصمیمات درست اتخاذ کند، جسمش در عذاب بوده است و هر زمان تصمیمات درست و به‌جایی اتخاذ کرده است، تنومند شده است. به نظر وی، اعتدال‌گرایی در سیاست خارجی مستلزم نگاه توأمان به جغرافیا و انقلاب اسلامی است؛ یعنی باید توجه یکسانی به ساختارهای معنایی و مادی مبذول گردد. محمد فاضلی عضو هیأت علمی مرکز تحقیقات استراتژیک، بیان داشته است: رضایت داشتن یا نداشتن از یک دولت در میزان پاسخگویی دولت‌ها به نیازهاست. از این رو برای دولت اعتدالی

اولویت دادن به نیازها مسأله‌ای حائز اهمیت است. وی اعتدال را بسته‌ای از سیاست‌ها و اقدامات می‌داند که به طور ساختاری می‌تواند توانایی کشورها را برای پاسخگویی به نیازها به وجود آورد. این بسته به نظر وی باید از نیازمندی‌های جامعه تعریفی کامل داشته باشد. مجتبی مقصودی رئیس انجمن علوم سیاسی ایران نیز بیان داشته است: افزایش ظرفیت مطالباتی مردم و عدم پاسخگویی به آن‌ها مشکلاتی را برای کشور ایجاد می‌کند. سعید معید فر عضو هیأت علمی دانشگاه تهران معتقد است: در عمل چهار رویکرد کلان به فرهنگ و برنامه ریزی فرهنگی در جهان توسط دولت‌ها تجربه شده است که قطعاً گفتمان اعتدال اگر بخواهد اصل واقع بینی، خرد و علم محوری را وجه همت خود قرار دهد، نمی‌تواند خارج از یکی یا ترکیبی از این رویکردها باشد: ۱- رویکرد ایدئولوژیک: اتخاذ یک ایدئولوژی گروهی و سعی در تحمیل آن به جامعه، ۲- رویکرد بنیادگرایانه: ابتناء بر کتاب مقدس و اتخاذ تفسیری ارتدوکس از آن و سعی در اعمال آن بر جامعه، ۳- رویکرد نخبه گرایانه: اتکا بر دریافت‌های اندیشمندان از جامعه و فرهنگ توسط اصحاب دانش و اهالی فرهنگ و هنر در یک جامعه و تبدیل آن به نهادها و بنیادهای فرهنگی و ازین طریق سعی در ترویج فرهنگ در جامعه، ۴- رویکرد واقع گرایانه: فرو کاستن فرهنگ به آنچه در زندگی روزمره جریان دارد و سعی در بازنمایی و بازتولید آن. کنترل بر فرهنگ از نظر وی بدون در نظر گرفتن واقعیات موجود و پیشینه تاریخی آن تنها به مقاومت فرهنگی میان افراد منجر می‌شود. از این رو برنامه ریزی فرهنگی باید مبتنی بر شناخت علمی از فرهنگ، تحولات و تنوع آن در جامعه باشد. فرشاد مومنی اعتدال را ناظر به نفی تجاوز به حقوق دیگران و مبتنی بر عدل می‌داند. وی کلید بحث در رویکردهای اعتدالی به مسأله اقتصاد در بالاترین سطح، هم راستاسازی منافع فردی با مصالح جمعی و ملاحظات کوتاه مدت با ملاحظات بلند مدت می‌داند. وی معتقد است باید در جامعه اشتغال به جای اعانه و تولید به جای ترویج مصرف و ملاحظات بلند مدت به جای رویکردهای کوتاه مدت مورد توجه قرار گیرد. به نظر وی، اولویت قرارگرفتن اقتصاد در دولت یازدهم قابل فهم و پذیرش می‌باشد.

۱-۲- چالش‌ها و مکانیزم‌های اجرای حقوق بشر در سطح ملی

خاورمیانه از دستمایه‌های فکری و سرمایه‌های معنوی در زمینه مباحث نظری حقوق بشر برخوردار بوده است. اما تاریخ حیات خاورمیانه، حکایت از آن می‌کند که این منطقه در عرصه اجرا و عمل، همواره در پشتیبانی از حقوق بشر چالش‌هایی داشته است. به همین دلیل هیچ‌گاه دستمایه‌های فکری و سرمایه‌های معنوی در زمینه حقوق بشر به حوزه اجرا و عرصه عمل راه نیافتند. این مسئله ریشه در تعامل میان نظریه و عمل در منطقه خاورمیانه دارد (ذاکریان، ۱۳۹۵: ۶۲). همچنین حقوق بشر در ارتباط مستقیم با تصمیم‌گیری‌های سیاست‌گذاران قرار می‌گیرد. به همین دلیل وضعیت حقوق بشر شهروندان خاورمیانه مانند وضعیت آن‌ها در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تحت تأثیر و در دستان حکمرانان منطقه خاورمیانه قرار دارد (ذاکریان، ۱۳۹۵: ۶۳-۶۲). از این رو با توجه به مسئولیت حکومت‌ها در قبال حقوق بشر، در سال ۲۰۱۲ کمیته مشورتی شورای حقوق بشر یک طرح تحقیقاتی در مورد حکومت ملی و حقوق بشر به شورای حقوق بشر جهت توجه و تصویب ارائه کرد. دولت‌ها تعهداتی برای احترام، حمایت و اجرای حقوق بشر بر عهده گرفته‌اند (Amnesty International report, 2012). تنها دولت‌ها متعهد شده‌اند گزارش‌های مورد نیاز برای احترام به پیمان‌های حقوق بشر منطقه‌ای و جهانی ارائه کنند و تنها دولت‌ها می‌توانند موضوع شکایات فردی و میان‌دولتی بر اساس چنین پیمان‌هایی باشند (Clauton, 2002: 1-3). ج.ا.ایران نیز از این شرایط استثنا نیست. وظیفه احترام به حقوق بشر بدان معناست که دولت و بخش خصوصی حقوق بشر را با رفتارشان نقض نکنند که همان تعهد منفی آن‌ها به حقوق بشر است. این امر مستلزم آن است که دولت و بخش خصوصی از ایجاد مزاحمت برای افراد به منظور برخورداری از حقوق و آزادی‌ها در چارچوب صلاحیت شان خودداری کنند. دولت و بخش خصوصی برای میزان زیادی از مسائل حقوق بشر در کار روزانه شان، مسئول هستند در حالی که به ندرت این کارهای روزانه از سوی صاحبان قدرت و عموم مردم به عنوان اجرای حقوق بشر درک شده است. در نتیجه، این فعالیت‌های روزانه از چارچوب داوری یا تحلیل در بیشتر سیاست‌ها و فعالیت‌ها در سطح

ملی دور مانده است، در حالی که ممکن است در عمل آن‌ها اجرا یا نقض حقوق بشر باشند^۱

وظیفه حمایت به ابزارهایی نیاز دارد تا تضمین کند که طرف‌های سوم حقوق و آزادی‌های افراد را نقض نمی‌کنند. وظیفه حمایت می‌تواند محیط‌های شهری امن تری ایجاد کند که خطر نقض را کاهش می‌دهد (Neill, 1986: 1-3). وظیفه اجرای حقوق بشر بدان معناست که حکومت بایستی عمل مثبت اتخاذ کند تا برخورداری از حقوق و آزادی‌ها را تسهیل کند. برای مثال حکومت‌ها متعهد شده‌اند حق آموزش را اجرا کنند، از این رو بایستی یک نظام آموزشی خوب ایجاد کنند (Donnelly, 2003: 4-6). برای برآوردن وظیفه اجرای حقوق افراد، نباید تبعیض علیه مکانیزم‌های حقوق بشر ملی باشد. علاوه بر این، حکومت بایستی فهم و احترام نسبت به حقوق همه افراد در چارچوب صلاحیت شان از طریق آموزش و پرورش ارتقاء دهد. حکومت بایستی اساس سیستماتیک آموزش حقوق بشر را برای نمایندگان انتخاب شده و کارمندان اجرایی دولت ایجاد کند و زمینه انتشار اطلاعات مناسب در میان شهروندان درباره حقوق شان فراهم نماید. از طریق ارتقاء حقوق بشر حکومت می‌تواند به ایجاد فرهنگ حقوق بشر در جامعه کمک کند. حکومت بایستی توجه خاصی به ارتقاء و حمایت گروه‌های آسیب‌پذیر و محروم، از قبیل اشخاص با ناتوانی‌ها، اقلیت‌های قومی، انجمن‌های محلی و کودکان و سالمندان داشته باشد. در این رابطه کیفیت خدماتی که دولت برای چنین گروه‌هایی ارائه می‌کند، درجه احترام دولت به حقوق بشر را در عمل نشان می‌دهد^۲

در شماری از کشورهای جهان تلاش‌هایی برای هدایت درست حقوق بشر در جریان فعالیت‌های اولیای امور محلی انجام شده است. بنابراین ابزارهایی اتخاذ شده تا نظارت مشارکتی برای اجرای حقوق بشر مبتنی بر رسیدگی و ارزیابی‌های موثر، تشویق شود (Holtman, 2004: 6-9). از این رو ایجاد رویه‌هایی برای تایید سازگاری سیاست‌ها و قوانین

1- Congress of Local and Regional Authorities (Council of Europe), Strasbourg, 25-27 March 2014, 26th session, CG(26)5FINAL, "Best practices of implementation of human rights at local and regional level in member states of the Council of Europe and other countries" (Rapporteur: O. Molin), Resolution 365 (2014),

2- Ibid.

ملی با حقوق بشر، فراهم کردن آموزش سیستماتیک حقوق بشر برای خدمات مدنی محلی، افزایش دادن آگاهی عمومی حقوق بشر و ... مورد توجه قرار گرفته است (Act).

Aliance, 2001, 3-6 در این راستا، تهیه پیش نویس منشور حقوق بشر محلی در این کشورها، مسئولیت‌های حقوق بشر خاصی ایجاد کرده است. چالش‌های پیش روی دولت‌های ملی در حمایت و ارتقاء حقوق بشر، اصلی‌ترین موانع پیش روی دولت‌ها در اجرای حقوق بشر سیاسی، اقتصادی و ... است. بزرگترین چالش پیش روی حکومت‌ها در اجرای حقوق بشر، فقدان اراده سیاسی به ویژه در کشورهایی است که فاقد نظام دموکراتیک یا دارای دموکراسی ابتدایی هستند. این امر از طریق منازعه‌ها و تنش‌های سیاسی در کشورها تسریع شده است (Anthony, 1999: 6-9). حکومت‌ها در چنین دولت‌هایی از فقدان حاکمیت ملی مبتنی بر استقلال اقتصادی و سیاسی، فقدان برنامه بلندمدت و یا سرسپردگی رنج می‌برند. در برخی دولت‌ها با ساختار تمرکزگرای خیلی بالا ممکن است دشوار باشد تلاش سیاسی زیادی برای حقوق بشر در سطح محلی توسعه داد. سیاست‌های متمرکز و ابزارهای تعدی ساختاری ممکن است غالباً مانع رعایت حقوق بشر در سطح محلی شود. چالش دیگر برای حکومت‌ها که مانع ارتقاء و اجرای حقوق بشر می‌شود، کمبود ظرفیت نهادی و یا منابع است. تمرکز زدایی به طور بالقوه برای دموکراسی مشارکتی، تعهدات شهروندی، شفافیت و پاسخگویی مناسب است. این اشکال مثبت مبتنی بر وجود مکانیزم‌ها و اراده سیاسی موجود، احتمالاً حکومت دموکراسی را تحقق بخشند (Cohen, 2010: 8-10).

فقدان منابع و بودجه لازم برای سرمایه‌گذاری به منظور اجرای پروژه‌ها و خدمات در سطح ملی، توان حکومت را تحلیل می‌برد و مشروعیت آن را در اجتماعات محلی کاهش می‌دهد. چالش سوم، فقدان هماهنگی کافی بین نهادهای مختلف حکومتی است. این مشکل زمانی رخ می‌دهد که قوانین راجع به حوزه صلاحیت هر بخش، شفاف، ساده و در دسترس نباشد. تفکیک قوای روشن بین رده‌های مختلف حکومت پیش شرط تحقق پاسخگویی و اجرای حقوق بشر تلقی می‌شود. بنابراین این خودفهمی بایستی باشد که هر مقامی که قدرت عمومی را در اختیار دارد، مجبور است به حقوق بشر احترام بگذارد و آن را حمایت و اجرا نماید. پیوند بین اعمال قدرت و رعایت حقوق بشر غالباً یا گاهی اوقات

در سطح ملی فراموش می‌شود. چالش بیشتر، فقدان اطلاعات درباره ملزومات ناشی از حقوق بشر در سطح ملی است. هر شخص متصدی حکومت بایستی از تعهدات تحمیل شده ناشی از حقوق بشر، آگاه باشد. غالباً این آگاهی اگر هم باشد، فاقد شناخت مناسب درباره محتوا و حوزه حقوق بشر است. در نتیجه بسیاری از حکومت‌ها نمی‌توانند حقوق بشر را درک کنند و آن را وارد سیاست و عمل کنند. تلاش‌ها برای افزایش هماهنگی حقوق بشر به واسطه فقدان شفافیت خدشه دار شده است.^۱ چالش بعدی برای حکومت‌ها عدم شناخت از نقش و سهم جامعه مدنی است. این امر معمولاً با فقدان آگاهی از حقوق بشر در سطح دولت ملی همراه است. ناتوانی در شناسایی و کار با جامعه ملی تلاش‌های حکومت را برای رسیدگی به جوامع به حاشیه رانده شده، کاهش داده است. چالش دیگر برای حکومت‌ها، فقدان تعهدات حقوق بشری در اولویت نهادهای اعطا کننده و نهادهای توسعه بین‌المللی است. برای مثال در اندونزی، صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی، بانک توسعه آسیا، برنامه توسعه ملل متحد و دیگر نهادهای اعطا کننده، تمرکز زدایی را ارتقاء دادند، اما حقوق بشر را نادیده گرفته‌اند.^۲ حمایت از حقوق بشر نیازمند مکانیزم‌های حقوق بشری مستقل است. چنین مکانیزم‌هایی ممکن است اشکال مختلفی در جوامع مختلف به خود بگیرد. نمونه‌های مختلفی مانند بازرسان محلی، نهادهای ضد تبعیض و... وجود دارند که می‌توانند به‌عنوان مدلی برای اجرای حقوق بشر در سطح ملی یا محلی عمل کنند. ساختار و کارایی این مکانیزم‌ها می‌توانند متنوع باشند، اما آن‌ها بایستی به‌عنوان ابزارهای مهم حفاظت از حقوق بشر و رسیدگی به شکایات شهروندان در مرحله اول دیده شوند.

ایجاد مکانیزم حقوق بشر، نقش اولیای امور ملی را در حمایت از حقوق بشر گسترش می‌دهد. برای اینکه آن‌ها کارکردشان را خوب ادا کنند، بایستی با منابع مالی و انسانی کافی مجهز شوند. تنها چند دولت در سطح جهان، مکانیزم‌های حمایت از حقوق بشر را دارند. برای مثال در سوئیس در شهرهای مختلف دفاتر بازرسی، ایجاد شده است. این دفاتر

1- Human Rights Institute, Columbia Law School.

2- Christopher Silver, "Do the donors have it right? Decentralization and changing local governance in Indonesia", in *Globalization and Urban Development*, Harry W. Richardson and Chang-Hee Christine Bae, eds. (Berlin, Springer, 2005). Quoted in Report of the Special Rapporteur on Adequate Housing, para. 25.

نهادهای مستقلی هستند که در منازعات بین افراد خصوصی و اولیای امور میانجیگری می‌کنند؛ اگر چه آن‌ها صلاحیت اتخاذ تصمیم‌گیری لازم الاجرا به جز توصیه را ندارند. از این رو هم اکنون مشخص شده است، آن‌ها ابزارهای موفقی برای حل منازعات در سطح جامعه هستند. در سوئیس شکایات در رابطه با نقض حقوق بشر می‌تواند توسط بازرس محلی یا مکانیزم شکایت شهرداری ثبت شود. در دانمارک مشاور شهروندان کپنهاگ اولین نهاد مشاوره محلی کشور است که توسط شورای شهرداری ایجاد

شد تا کار بازرسی مستقل را در کپنهاگ به انجام رساند. امروزه در کشور مذکور ۲۱ شهرداری، نهادهای مشاوره تابعه را دارند. در نروژ شهرداری‌ها، برای مناطق اداری مشخص، بازرسانی را دارند. در بوسنی و هرزگوین شماری از حکومت‌های محلی، کمیسیون‌های حقوق بشر را ایجاد کرده‌اند که به عنوان موجودیت‌های مشورتی برای شوراهای شهری عمل می‌کنند؛ اگر چه آن‌ها فی نفسه مکانیزمی برای حمایت از حقوق بشر نیستند (Carlos and Poonce, 2010:5-10). در استرالیا فرصت برابر مربوط به زمان سلطنت ملکه ویکتوریا و کمیسیون حقوق بشر، ایجاد محاکم حکومت محلی را تسهیل کرده است و ابزاری را برای حکومت محلی ایجاد کرده تا برنامه‌ها و فعالیت‌های حکومت محلی را برای تامین اینکه آن‌ها سازگار با منشور حقوق بشر و مسئولیت‌های مربوط به زمان سلطنت ویکتوریا هستند یا خیر، بررسی نماید و زمینه آموزش شورای محلی را فراهم کند. در آذربایجان شورای مستقل کارشناسان در موسسه بازرسی در آوریل ۲۰۰۳ ایجاد شده که در آن اعضای سازمان‌های غیر دولتی با نفوذ و جامعه مدنی که با حمایت از حقوق بشر سروکار دارند، مشخص شده است. کمیسیونر اجرایی کنفرانس‌ها، مباحث میزگردی و دیگر فعالیت‌ها مرتبط با سازمان‌های غیر دولتی را آموزش می‌دهد.^۱ در شماری از کشورها مانند آذربایجان، ایرلند و اسلونی دفتر بازرسی ملی صاحب اختیار شده تا شکایت‌ها را نه تنها علیه نهادهای دولتی بلکه علیه اولیای امور محلی نیز بررسی کند. دستورالعمل شهرداری گواتمالا تعهد حکومت محلی را برای جمع شدن بخش‌های اجتماعی مختلف شهرداری شکل داده است تا در توسعه و نهادینه شدن سیاست‌های عمومی شهری و طرح‌های توسعه

1- Azerbaijan, Institute of the Commissioner for Human Rights

شهری و روستایی مشارکت کنند. دستورالعمل همچنین ایجاد کمیسیون‌هایی را برای شکایت، مجاز نموده است. این تجربه‌ها می‌تواند برای ج.ا.ایران نیز مفید باشد تا در این راستا مکانیزم‌های اجرای حقوق بشر را در استان‌ها و شهرستان‌های کشور دایر نماید.

۲- عملکرد دولت یازدهم و اجرای حقوق بشر

۲-۱- ارزیابی عملکرد دولت یازدهم در پرتو تبیین مفهوم اعتدال

در این مقاله یک اصل اساسی مورد توجه است و آن این است که میزان اجرای حقوق بشر را باید در فعالیت‌ها و اقدامات روزانه دولت‌ها جستجو گردد؛ زیرا اقدامات و نه شعار و نظریه است که میزان اجرای حقوق سیاسی، مدنی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... را در جامعه نشان می‌دهد. از این رو لازم است ارزیابی از دیدگاه صاحب نظران همایش ملی اعتدال در این مقاله ارائه شود تا مشخص شود دیدگاه‌های مذکور چقدر با واقعیت انطباق دارند. در این راستا این سؤال مطرح می‌شود: آیا دولت یازدهم که هنوز نتوانسته است کشور را به حالت رونق اقتصادی برگرداند و با مشکلات مهمی چون رکود و بیکاری مواجه است، می‌تواند اهداف سه‌گانه توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی و عدالت سه دولت قبل از خود را، یکجا برآورده سازد؟ در پاسخ می‌تواند گفت: هدف مذکور که توسط وزیر کار دولت یازدهم مطرح شده است جزو تلاش‌ها (آرمان‌ها و آرزوهای) دولت یازدهم است نه اینکه در توان دولت باشد و یا واقعیت داشته باشد. همچنین تعادل، عدالت و تعامل معنای دیگر مفهوم اعتدال توسط رئیس دفتر رئیس جمهور دولت یازدهم ذکر شده، اما هر چند هدف تعامل تحقق پیدا کرده، ولی تعادل و عدالت در جامعه هنوز تحقق نیافته و جزو تلاش‌ها و یا آرمان‌های دولت باقی مانده است. حاکمیت قانون شرعی و قانون موضوعه معنای دیگر اعتدال در همایش مذکور مطرح شد. می‌توان گفت دولت یازدهم در تحقق این تفسیر از اعتدال از عملکرد مثبتی برخوردار است. در تفسیر دیگر در همایش اعتدال، بیان شد اعتدال صرفاً در عمل معنا می‌یابد. می‌توان گفت، اعتدال در عمل هنوز در میان مسئولین نظام و مردم ج.ا.ایران نهادینه نشده و جزو تلاش‌ها و یا آرمان‌های دولت یازدهم است و واقعیت ندارد. رضایت داشتن از عملکرد دولت مستلزم پاسخگویی دولت به نیازهای مردم

یک جامعه است که یکی دیگر از تفسیرهای ارائه شده از مفهوم اعتدال در همایش ملی تبیین اعتدال بود. دولت یازدهم هنوز به اکثر نیازهای مردم ایران پاسخ مناسب نداده است و اگر نتواند به موقع به نیازهای مذکور پاسخ دهد، نارضایتی عمومی را به وجود می‌آورد. رئیس‌جمهور در شعارهای انتخاباتی خود ظرفیت مطالبات مردم را افزایش داده است. از این رو عدم پاسخگویی به مطالبات مردم، موجب تأخیر در اجرای حقوق بشر و حتی اگر مطالبات برحق باشد موجب نقض حقوق بشر و مسئولیت دولت می‌گردد؛ زیرا ملت به امید تحقق این وعده‌ها به روحانی رأی داده‌اند. دولت یازدهم در حوزه فرهنگی نیز، رویکرد نخبه‌گرایانه اتخاذ کرده است. شواهد نشان می‌دهد دولت یازدهم اتکای خاصی به دریافت‌های اندیشمندان از جامعه، اصحاب دانش و اهالی فرهنگ و هنر در ج.ا.ایران دارد تا آن‌ها را تبدیل به نهادها و بنیان‌های فرهنگی سازد و آن را در جامعه ترویج کند.

۲-۲- عملکرد دولت در عرصه سیاست خارجی

بزرگترین موفقیت دولت یازدهم در سه سال گذشته در سیاست خارجی بوده که در واقع بزرگترین اولویت دولت نیز بود. همانطور که روحانی بارها در تبلیغات انتخاباتی گفته بودند: «هم باید چرخ اقتصاد بچرخد و هم سانتریفیوژها!» دولت یازدهم در مبارزه با داعش و کمک به کشورهای درگیر در بحران جنگ با داعش نقش برجسته‌ای ایفا نموده است. اعتراف مقامات مختلف سیاسی در سطح جهان گویای نقش برجسته ج.ا.ایران در مبارزه با داعش و کمک به کشورهای درگیر جنگ با این پدیده شوم است. رئیس‌جمهور در کنفرانس خبری خود در ۲۸ دی ماه ۱۳۹۵ آتش بس میان دولت سوریه و معارضان غیر تروریست را قدم مثبت ارزیابی می‌کند. وی معتقد است، اجلاس آستانه بین گروه‌های سوری برای مذاکره سوری-سوری با نظارت ایران، ترکیه و روسیه به انجام می‌رسد و معتقد است این قدم اول بایستی قدم پایانی نباشد و روند مذاکرات بایستی تا حل نهایی مسائل پیچیده سوریه تداوم پیدا کند. رئیس‌جمهور اساس سیاست ایران را روابط نزدیک با

همسایگان و دولت‌های اسلامی می‌داند و شورای همکاری خلیج فارس را از این اصل استثنا نمی‌داند. در مورد عربستان، رئیس‌جمهور معتقد است: عربستان مشکلات را خودش ایجاد کرده است. عربستان یک جنگ بی‌مبنا با کشور همسایه و مسلمان شروع کرده است که نه به نفع عربستان و نه به نفع منطقه است و از عربستان می‌خواهد حمله به یمن را متوقف کند. رئیس‌جمهور معتقد است: ایران قصد مداخله در امور عربستان را ندارد و ج.ا.ایران در صدد حذف نقش عربستان در منطقه و جهان نیست. توصیه رئیس‌جمهور به عربستان انتخاب راه درست است و بیان می‌دارد: اگر عربستان تصمیم درست اتخاذ کند، ج.ا.ایران در مسائل مختلف به عربستان کمک می‌کند و رابطه را در عرصه‌های مختلف تقویت می‌کند. نگارندگان معتقد هستند: اتخاذ سیاست‌های تنش‌زدا و تلاش برای برقراری تعامل سازنده با کشورهای منطقه و جهان، عملکردی مثبت و در راستای اجرای حقوق بشر بوده است؛ زیرا موجب ارتقاء امنیت و ثبات داخلی شده و زمینه را برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی فراهم می‌کند و فضای سیاسی و اقتصادی مناسبی را در سطح بین‌المللی به روی ج.ا.ایران می‌گشاید.

۲-۳- عملکرد دولت در عرصه اقتصاد

ایران در دوره دولت یازدهم تلاش خاصی را برای همکاری اقتصادی با کشورهای مختلف شروع کرده است. کشف و توسعه میدان‌های گاز و نفت مورد توجه قرار گرفته و قراردادهای زیادی با شرکت‌های خارجی منعقد شده است. ج.ا.ایران ۵۲ پروژه گازی و ۱۸ پروژه نفتی و گازی را برای کشف و توسعه واگذار کرده است. برای مثال چین موافقت کرده است یک پایانه نفتی مشترک در جزیره قشم در پایین‌ترین قسمت خلیج فارس ایجاد کند. با ساختن این پایانه جزیره قشم، مرکزی برای تولید و ذخیره نفت خواهد شد. در آینده پایانه قادر خواهد بود تانک‌رهای را در خود جا دهد و تقریباً ۳۰ میلیون بشکه نفت را ذخیره کند. این یکی از بزرگترین معاملات صنعت نفت پس از رفع تحریم‌های ایران است. چین همچنین در صد است میزان خرید نفت خود را از ایران افزایش دهد. دولت یازدهم تلاش نموده است مشتریان نفتی سابق خود را دوباره به دست آورد. از این رو علاوه بر

کشورهای آسیایی مانند چین، هند، کره جنوبی و... به کشورهای اروپایی مانند اسپانیا، یونان، ایتالیا و... نیز نفت صادر می‌کند. همچنین هند برای نوسازی بندرگاه چابهار ایران در خلیج عمان ۲۰ میلیارد دلار سرمایه گذاری کرده است. از این رو جذب سرمایه گذاری خارجی اولویت بالای سیاست اقتصادی دولت یازدهم می‌باشد. ایجاد ثروت ملی و توزیع برابر، هدف سیاست اقتصادی دولت روحانی است. رهبر معظم انقلاب نیز در دیدارهای خود با هیأت دولت، عملکرد دولت را در سه سال گذشته، مثبت ارزیابی می‌کند. رهبر معظم انقلاب کنترل تورم، تثبیت نرخ ارز، ایجاد نشاط در جامعه، طرح تحول سلامت و برجام را دستاورد ارزشمند دولت یازدهم می‌دانند. رهبر معظم انقلاب هر سال در دیدار خودشان با هیأت دولت یازدهم، توصیه‌هایی را ارائه کرده‌اند که با بررسی آن‌ها مشخص می‌شود تداوم و تغییر در توصیه‌ها دیده می‌شود. با توجه به اینکه برخی توصیه‌ها مربوط به مسائل جدید کشور است، موجب تغییر در آن‌ها شده است. برخی توصیه‌ها نیز ثابت مانده است که مربوط به ارزش‌های انقلاب و توسعه کشور است. کار و فعالیت و خدمات مستمر به مردم، حفظ انسجام و شنیده شدن یک صدا از دولت؛ تا جایی که به زیبایی فلسفه سخنگو دولت را نیز، شنیده شدن یک صدا می‌دانند تا در سخنان مسئولان تعارض دیده نشود. جلوگیری از دو قطبی شدن جامعه، انتقاد منصفانه از دولت‌ها، از جمله دولت یازدهم و پاسخ منطقی و با صعه صدر به انتقادات و حتی می‌فرمایند: لازم نیست به همه انتقادات پاسخ داده شود؛ زیرا در برخی موارد سکوت بهتر است و مردم خود توان تشخیص مسائل را دارند. حمایت از تولید داخلی، ایجاد صنایع تبدیلی در روستاها برای ایجاد ارزش افزوده، رشد علمی و توجه به شرکت‌های دانش بنیاد، جهت دادن به بانک‌ها به سوی تولید و خارج ساختن آن‌ها از وضعیت بنگاه داری، توجه به بخش کشاورزی و ایجاد آبیاری تحت فشار، تکمیل مسکن مهر، توجه به معادن و نقش آن‌ها در اشتغال، اعمال قدرت در واردات کالاهای غیر ضروری و سخت گیری در این زمینه؛ زیرا مشکل از طریق تعرفه صرف حل نمی‌شود، توصیه‌های ارزشمند ایشان به دولت یازدهم در سال ۱۳۹۳ محسوب می‌شوند.^۱

نگارندگان با بررسی توصیه‌های مقام معظم رهبری در دیدار خودشان با رئیس‌جمهور و هیأت دولت در شهریور ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ مشاهده نمودند، بسیاری از توصیه‌های ۱۳۹۳ مجدداً تکرار شده است و نشان می‌دهد که این توصیه‌ها جزو توصیه‌های ثابت بوده و مربوط به ارزش‌های انقلاب اسلامی و توسعه پایدار کشور است.

توصیه‌های سال ۱۳۹۴ مقام معظم رهبری در موارد ذیل نیز با توصیه‌های سال ۱۳۹۳ متفاوت است. برای مثال، توجه کامل به تداوم دشمنی دشمنان، هوشیاری در مقابل رخنه و نفوذ بیگانگان، پرهیز از حاشیه‌سازی، توجه به بخش فرهنگ و تولید فرهنگی مناسب و جلوگیری از تولید فرهنگی مضر، بیانگر تغییر در توصیه‌های رهبر معظم انقلاب برای در دستور کار قرار دادن مسائل روز کشور است.^۱ در دیدار رهبر معظم انقلاب با هیأت دولت در شهریور ۱۳۹۵، اقتصاد مقاومتی، سیاست خارجی، علم و فناوری، امنیت، فرهنگ، برنامه ششم توسعه و فضای مجازی (تلاش برای استفاده از فرصت‌های فضای مجازی و رفع تهدیدات آن) مورد تأکید قرار می‌گیرد. در سال ۱۳۹۵ مانند سال‌های گذشته، گزارش دولت و عملکرد آن را خوب توصیف می‌کنند، اما در عین حال مانند سال‌های گذشته، توصیه‌هایی نیز بیان می‌کنند که باز ویژگی ثابت و تغییر در توصیه‌های ایشان برای تحقق اهداف مذکور، مشاهده می‌شود.^۲

ارزیابی عملکرد دولت و ارائه توصیه‌های دقیق از سوی مقام معظم رهبری بیانگر اراده سیاسی اولین مقام کشور برای اجرای حقوق بشر است؛ زیرا بر اساس فرض نگارندگان این مقاله، تقویت عملکرد مثبت دولت موجب اجرای بهتر حقوق بشر در هر کشوری می‌شود. بنابراین باید بین آنچه دولت تلاش می‌کند انجام دهد (آرمان و آرزو) و آنچه می‌تواند (واقعیت) انجام دهد، فرق گذاشت. حامیان دولت، دستاوردهای اقتصادی دولت، تنش زدایی سیاسی، متوقف کردن افزایش تحریم‌ها و لغو تحریم‌های هسته‌ای از طریق برجام برجسته می‌کنند و ترجیح می‌دهند در مورد عملکرد دولت در حوزه اجتماعی و سیاسی

۱- دیدار هیأت دولت با مقام معظم رهبر، پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری ۱۳۹۴/۶/۴

۲- دیدار هیأت دولت با مقام معظم رهبری، پایگاه اطلاع‌رسانی رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۵/۶/۳

بحث نکنند. حامیان منتقد دولت نیز، نمره بالایی به رئیس جمهور دولت یازدهم و کابینه وی در زمینه سیاست خارجی و اقتصاد می دهند؛ اما از عملکرد بی رمق وی در حوزه اجتماعی و سیاسی در سطح داخلی، انتقاد می کنند. در میان گروه های مخالف، اصول گرایان میانه رو ساکت مانده اند و ارزیابی عملکرد دولت یازدهم را رد نموده اند. از این رو آن ها نه لب به تمجید دولت یازدهم می گشایند و نه به انتقاد از آن. اصول گرایان میانه رو طوری عمل می کنند که انگار روحانی و تیم وی بر کشور دیگری غیر از ایران حکومت می کنند. گروه های مخالف رادیکال نیز معتقد هستند: دولت جز سازش و امتیاز دادن به دشمنان و بدخواهان نظام در سطح داخلی و خارجی، کار خاصی انجام نداده است و برجام را عقب نشینی و تسلیم در برابر غرب می دانند. آن ها بیان می دارند: دولت یازدهم حل هر مسئله را به توافق هسته پیوند زده بود؛ این امر باعث شد ظرفیت های کشور بدون استفاده باقی بماند. به نظر گروه های رادیکال مخالف دولت یازدهم، فقدان هماهنگی میان بعضی وزراء و اعضای تیم اقتصادی در دولت مذکور موجب شده است بهبود محسوسی در استانداردهای زندگی مردم ایران ایجاد نشود. با توجه به انتقادهای مذکور، حال این سؤال مطرح می شود که چگونه می توان ارزیابی منصفانه ای که مورد تأکید مقام معظم رهبری نیز هست از دولت یازدهم ارائه داد؟ در پاسخ این سؤال می توان گفت: به منظور ارائه ارزیابی واقع بینانه و منصفانه دو نکته بایستی در نظر گرفته شود. نخست، وضعیت کشور در زمان به سرکار آمدن دولت روحانی و دوم، مقدرات حکومت. بدون شک دولت یازدهم دگرگونی عظیمی در سیاست خارجی به وجود آورده است و تصویر مثبتی از ایران ارائه داده و تلاش نموده تصویر کشور را در جامعه بین المللی بهبود بخشد. ارائه تصویر مطلوب برای جلب اعتماد بین المللی بسیار ضروری است و همکاری جامعه بین المللی را تسهیل می کند تا جایی که داشتن تصویر مطلوب برای هر کشوری در سطح بین المللی، یک سرمایه عظیم اجتماعی محسوب می شود. علاوه بر این، دولت یازدهم توانست به مناقشه غیر ضروری هسته ای پایان دهد و راه را برای بایگانی کردن و به تاریخ سپردن مناقشه هسته ای ایران فراهم سازد. سیاست خارجی دولت نهم و دهم به مدت هشت سال، حق یا ناحق عملاً کشور را در مواجهه مستقیم با قدرت های عمده جهان قرار داد. وقتی روحانی زمام امور را

به دست گرفت، کشور ج.ا. ایران در وضعیت اقتصادی نامناسبی قرار داشت. برای مثال تولید ناخالص داخلی در رکورد پایین حداقل منهای سه درصد قرار داشت. تورم حدود ۴۰ درصد شده بود. ماشین‌های کارخانه‌ها دیگر چندان کار نمی‌کردند. کارگران زیادی اخراج شده بودند و سیستم بانکی توسط سخت‌ترین تحریم‌های معاصر علیه ایران آسیب جدی دیده بودند. وضعیت وخیم اقتصادی برخی سرمایه‌گذاران ایرانی را مجبور کرده بود؛ فرصت‌هایی را در دیگر کشورها مانند ترکیه، مالزی، امارات، آفریقای جنوبی، چین و... جستجو کنند. البته دولت نهم و دهم نیز خدمات شایانی به ج.ا.ایران ارائه نمود. با وجود فشارهای سخت بین‌المللی و داخلی، مسکن، مهر، طرح تحول اقتصادی، دستیابی ایران به چرخه کامل سوخت هسته‌ای و در واقع هسته‌ای شدن ج.ا.ایران در این دوران عملی شد. برای انجام نقد منصفانه از دولت یازدهم نیز، احیای اقتصادی یک شبه در شرایط مذکور، نه ممکن و نه آسان بود. بنابراین، عملکرد اقتصادی دولت یازدهم بایستی در پرتو چنین مشکلاتی تحلیل شود. تغییر در سیاست خارجی کشور و دستیابی به توافق هسته‌ای باید به عنوان دستاورد مهم دولت یازدهم در سه سال گذشته تلقی نمود؛ یعنی دولت نهم و دهم ایران را هسته‌ای کرد و دولت یازدهم نیز، حق داشتن انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای برای ایران را در سطح بین‌المللی به قدرت‌های بزرگ، شناساند و آن را تثبیت نمود. عملکرد ضعیف دولت در حوزه سیاسی و اجتماعی در سطح داخلی نیز، باید به عنوان ضعف‌های دولت یازدهم در نظر گرفته شود. در حوزه اقتصادی انتظار از دولت یازدهم این است که اقدامات بیشتری انجام دهد. ج.ا.ایران پتانسیل زیادی در حوزه انرژی، صنعت، کشاورزی، خدمات، انرژی، بیوتکنولوژی و... دارد. جذب سرمایه‌گذاری خارجی که مورد تاکید دولت یازدهم است لازم است، اما کافی نیست. استفاده از شرکت‌های دانش‌بنیان و تقویت و گسترش آن‌ها به عنوان بخش جدایی‌ناپذیر اقتصاد مقاومتی، تقویت بخش خصوصی و در یک کلام اجرای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، می‌تواند روند رشد و رونق اقتصادی را شتاب بیشتری بخشد.

دستاورد

خلاً موجود در دنیای امروز ضمانت اجرای حقوق بشر می‌باشد؛ یعنی عملکرد دولت‌ها و بخش خصوصی ممکن موجب نقض حقوق بشر شود. در چنین شرایط نیاز به ضمانت اجرای حقوق بشر احساس می‌شود. جامعه مدنی باید به طور فعال درگیر در برنامه ریزی حقوق بشر و اجرای آن در سطح ملی و محلی باشد. جامعه مدنی می‌تواند بر صاحبان قدرت برای پذیرش رویکرد مبتنی بر حقوق بشر فشار آورد و آن‌ها را متعهد تر سازد. جامعه مدنی همچنین نقش نظارتی مهمی دارد و می‌تواند اطلاعات مستقل را فراهم کند و عملکرد حکومت را ارزیابی کند. سازمان‌های جامعه مدنی همچنین ممکن است به طور مستقل با حکومت کار کنند تا مهارت و آگاهی حقوق بشری خود را تقویت نمایند. مقامات رسمی باید گفتگوی مداوم شان را با شهروندان و با جامعه مدنی ادامه دهند. باید کانال‌های توسعه یافته برای ارتباطات و همکاری وجود داشته باشد. ابزارهای ملی و بین‌المللی باید اتخاذ شود تا ظرفیت جامعه مدنی را تقویت کنند و بر دولت نظارت نمایند و آن را به اجرای حقوق بشر متعهد کنند. دولت یازدهم ج.ا.ایران شعار خوبی ارائه کرده است. هر چند اجرای همایش ملی اعتدال توانست مفهوم اعتدال را تا حدودی تبیین کند، اما دولت تلاش نکرد تا روشنفکران را تشویق کند، گفتمان اعتدال را تئوریزه کند و به گفتمان هژمونیک جامعه تبدیل کنند. در واقع عملکرد روزانه دولت در عرصه‌های مختلف شاخص مهمی برای سنجش میزان اجرای حقوق بشر در هر جامعه‌ای محسوب می‌شود. هر عملکرد منفی در هر عرصه‌ای نقض حقوق بشر و هر عملکرد مثبت در عرصه‌های مختلف اجرای حقوق بشر محسوب می‌شود. آنچه تا اکنون مشخص شده است این است که عملکرد دولت یازدهم تا حدود زیادی مثبت بوده است؛ هر چند در عرصه‌های مختلف نواقصی نیز وجود دارد. بنابراین در ج.ا.ایران به طور کلی و در دولت یازدهم به طور خاص اراده سیاسی برای اجرای حقوق بشر وجود دارد؛ زیرا در ج.ا.ایران دموکراسی نهادینه شده است و مسئولان در مقابل مردم و قانون اساسی مسئول هستند. بنابراین در ج.ا.ایران چالش فقدان اراده سیاسی که یکی از مهمترین موانع اجرای حقوق بشر است وجود ندارد. اما چالش‌های دیگری برای اجرای حقوق بشر در ج.ا.ایران و دولت یازدهم وجود دارد. هر

چند تمرکز زدایی تا حدودی در ج.ا.ایران مورد توجه قرار گرفته است؛ اما در مراحل ابتدایی خود قرار دارد. در این میان شورای شهر و روستا و بومی‌گزینی درانتخاب مقامات رده بالای استانی و افزایش اختیارات استان‌ها در دولت یازدهم کارساز بوده و می‌تواند عملکرد مثبت دولت را در راستای اجرای حقوق بشر تقویت نماید. چالش مهم در اتخاذ عملکرد مثبت برای اجرای حقوق بشر در دولت یازدهم کمبود منابع است؛ به طوری که رئیس جمهور در کنفرانس خبری در ۲۸ دی ماه ۱۳۹۵ به آن اشاره می‌کند. از این رو کمبود منابع که ناشی از افت قیمت نفت، محدودیت‌های بین‌المللی علیه ایران، فقدان نظام مالیاتی دقیق و منطبق با استانداردهای بین‌المللی، قدرت تولید رقابت پذیر پایین و... است؛ عملکرد مثبت دولت را برای اجرای حقوق بشر به تحلیل برده است. هماهنگی دولت یازدهم با قوای دیگر، عملکرد مثبت دولت تلقی می‌شود که در راستای اجرای حقوق بشر بوده است. فقدان تحزب در دولت یازدهم، وجود دارد، اما در ج.ا.ایران نهادهای با نفوذ زیادی وجود دارد که جای خالی تحزب را تا حدودی پر کرده است و به خوبی مشکلات و ناراسایی‌های دولت را گوشزد می‌کنند. چالش مهم دیگر که در کنار کمبود منابع مهمترین چالش اجرای حقوق بشر در دولت یازدهم محسوب می‌شود؛ فقدان مکانیزم‌های اجرای حقوق بشر است. در جوامع مدرن مانند سوئیس، دانمارک، نروژ و... مکانیزم‌های اجرای حقوق بشر مانند بازرسان محلی، نهادهای ضد تبعیض و.. وجود دارد که مستقل هستند و منابع انسانی و مالی کافی نیز در اختیار دارند و میزان اجرای حقوق بشر را در سطح محلی رصد و نظارت می‌کنند. همچنین مردم محلی می‌توانند شکایات خود را در این نهادها ثبت کنند. این مکانیزم‌ها می‌توانند در اجرای حقوق بشر موثر باشند که به نظر می‌رسد، دولت یازدهم مناسب است مکانیزم‌های اجرای حقوق بشر را در سطح محلی ایجاد کند؛ زیرا ایجاد مکانیزم‌های اجرای حقوق بشر نقش صاحبان قدرت محلی را در حمایت و اجرای حقوق بشر گسترش می‌دهد.

منابع و مآخذ

۱. ذاکریان، مهدی (۱۳۹۵) سیاست گذاری‌های حقوق بشر در خاورمیانه، تهران: خرسندی
۲. ذاکریان، مهدی (۱۳۹۲) همه حقوق بشر برای همه، تهران: میزان.
۳. عملکرد سه ساله دولت روحانی، فراروی: بخش سیاست تبیان، تاریخ ۱۳۹۵/۳/۲۴
۴. کارنامه دولت در سه سال گذشته: ارزیابی و نقد عملکرد دولت، آفتاب نیوز خرداد ماه ۱۳۹۵
۵. گزارش نظارت مجلس از عملکرد دولت یازدهم، خرداد ماه ۱۳۹۳
۷. همایش تبیین مفهوم اعتدال در مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام ۵ و ۶ شهریورماه ۱۳۹۲
۸. یادداشت نویسنده از بیانات رئیس جمهور در کنفرانس خبری با خبرنگاران داخلی و خارجی، تاریخ ۱۳۹۵/۱۰/۲۸
9. Act Alliance [ed.] (2011): Shrinking political space of civil society action. Available at: <http://www.actalliance.org/>.
10. Amnesty International (2012): Annual Report 2012. The state of the world's human rights. Available at: <http://www.amnesty.org/en/annual-report/2012>
11. Anthony, AR null,(1999)." The European union and its court of justice", Oxford University Press.
12. Bahlla, S.L., (1991). Human Rights an International Framework for Implementation, First Published.
13. Carlos, Juan and Ponce, Alejandro (2010)"Rile of law index" The World Justice Project.
14. Clauton R. (2002). "The law of Human Rights: Hugh Tomlinson ", Oxford University Press.[http:// www.echr.coe.int/](http://www.echr.coe.int/)
15. Cohen, G. A. (2006) "Capitalism, Freedom and the Proletariat, in The Liberty Reader
16. Cohen, Joshua (2004) "Minimalism about Human Rights: The Most We Can Hope
17. Cohen, Joshua, (2010)"Minimalism about Human Rights: The Most We Can Hope For and There a Human Right to Democracy? Harvard University Press.
18. Donnelly, Jack (2003) Universal Human Rights in Theory and Practice, NY: Cornell University Press.
19. Henry C. (2009) "The Alleged Dichotomy between Positive and Negative Duties of Justice,in Global Basic Rights, Oxford: Oxford University Press
20. Holtman, Williams (2004) "Kantian Justice and Poverty Relief," Kant Studien 95, no. 1
21. Human Rights Discourse," Ratio Juris 23, no3